

۱. جلالت و مبالغه (عظمت) و محبت و ماکدورت عظیم و میل و جاذبه و عشق
 ۲. تشنگی و تشنه و قرار دادن در استعدادهای
 ۳. اختصار و انحصار و انحصار و انحصار و انحصار
 ۴. عدل و استقامت و انحصار و انحصار و انحصار
 ۵. بیداری و بیداری و بیداری و بیداری
 ۶. نور جان از نور نور است به سه داستان حضرت عزرا
 ۷. نظام آرزو در زندگی و والد الذی التراج فقیر سما باستان

ضرورت معاد
 امکان معاد
 حیاتی

استدلال عقلی
 حتمیت معاد

درجه اول آینده روشن

در آیه مبارکه لا اله الا هو یعلم غیبکم الی یوم القیامه...
 علمت قطعت و ضروری بودن معاد آن است که راستگو از خدا کسی نیست

در درس قبل با دیدگاه پیامبران و مؤمنان درباره مرگ و آینده انسان آشنا شدیم. پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر در جهان آخرت می دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده اند.
 در مقابل دعوت پیامبران برای ایمان به جهان آخرت، گروهی به آن ایمان آورده و گروهی آن را بعید دانسته و انکار کرده اند.
 پیامبران الهی، نه تنها امکان وجود جهان دیگر را اثبات می کردند، بلکه با استدلال های مختلف وجود آن را ضروری می دانستند.
 به راستی پیامبران الهی، با چه دلایلی امکان معاد را اثبات می کردند؟
 با چه استدلال هایی ضرورت معاد را تبیین می نمودند؟

تا آمد عیسی و مسلم خداوند
 بر عروج معاد

۱- منته
 ۲- اگر
 اهمیت
 قبل از این
 بحث از معاد
 اهمیت و ضرورت
 دفع خطر
 نگاهی کو
 در میان با
 بگریزد. در
 اعتباری ند
 نمی گیریم
 «دفع خطر»
 حال اگر
 برخورد می
 پیامبران
 حتی مشر
 معاد خیر
 و آن را لا
 معاد سخن
 اگر به
 چیست؟
 وقتی که
 الل
 لیج
 لا زی
 و من
 است سوره

۱. منظور از قانون عقلی در دفع حواصط است چیست؟
 ۲. آیه اشادات معارضه را در حق هر غیر بیایمان باشد تکلیف یا در برابران معارضه است؟

اهمیت و ضرورت بحث از معاد چه دلیل است؟ دلیل دفع حواصط است

قبل از اینکه به بحث درباره جهان پس از مرگ بپردازیم، بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که ضرورت بحث از معاد چیست؟ آیا بهتر نیست به موضوعاتی بپردازیم که برای زندگی ما مفید باشند؟ برای اثبات اهمیت و ضرورت تأمل در موضوع معاد، تنها به یک دلیل بسنده می‌کنیم:

دفع خطر احتمالی را با سؤال توضیح دهید.

بگاهی کوتاه به زندگی روزمره انسان‌ها نشان می‌دهد که (انسان در مواقعی که احتمال خطر یا خسارتی در میان باشد، سعی می‌کند جلوی خسارت احتمالی را بگیرد و از خطری که ممکن است پیش آید، بگریزد. در چنین شرایطی حتی اگر شخصی دیوانه یا دروغ‌گو، که در شرایط عادی گفته او برای ما اعتباری ندارد، به ما خبری بدهد؛ مثلاً خبر از وجود سمی در غذای ما دهد، این اعلام خطر را نادیده نمی‌گیریم و احتیاط می‌کنیم. همه ما در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می‌کنیم که می‌گوید: «دفع خطر احتمالی، لازم است». (نیم ضرورت دفع حواصط در کتب فقهی عقلی)

حال اگر با خبری مواجه شویم که نه تنها احتمالی نیست، بلکه از قطعی‌ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می‌کنیم؟ آن هم خبری که درباره زندگی جاودانی ماست.

(پیامبران عاقل‌ترین و راست‌گوترین مردمان در طول تاریخ بوده‌اند. به عنوان مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حتی مشرکین و کافرین نیز به عنوان فردی امین و راستگو باور داشتند. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خبر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همه آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز بعد از بکتایرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است.

اگر به فرض در اثبات معاد، هیچ دلیلی جز همین خبر پیامبران نداشته باشیم، تکلیف ما در برابر این خبر چیست؟ ما که برای فرار از خطرهای کوچک احتمالی، سخن هر کسی را می‌پذیریم، چگونه می‌توانیم وقتی که پای سعادت یا شقاوت ابدی ما در میان است، بای توجهی از کنار این خبر بگذریم؟

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (توسید) (و ما را فقط گذشت روزگار نابود می‌کند.)
 لَيَجْتَنِبَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (معارف) خداوند که هیچ خدایی جز او نیست
 لَازِمٌ لِّه (جمع کسری در وقوع آیه) قطعاً شما را در روز قیامت جمع می‌کند
 وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (استفهام آیه) و چه کسی راستگوتر از خداست؟

* حتمی بودن وقوع معاد (استدلال نقلی معاد)
 صانع و روحانی
 صادق القول بودن خدا (بیرون خدا راستگوست)

بنابراین، سخن گفتن از معاد، در حقیقت سخن گفتن از زندگی است (زیرا معاد بخشی قطعی از زندگی آینده ماست. زندگی ای که برخلاف زندگانی دنیا که کوتاه و گذراست، جاوید و ابدی خواهد بود. قرآن کریم با تأکید فراوان اعلام می کند.

کسی را مت جایی پر صل و پیش
که زیر این صل زحراست در جام
بلا خاک دست از آن دارد کشیده
که خواهد بود کاری صعب بر راه
به گفت انبسیا از خواب بر خیز

شالی گویت نظامه، بیدیش
اگر خطی بدو گوید بسیارام
پو از مثل آن سخن دارد شنیده
تو را چندین بهیر کرده آگاه
به گفت طعلل جنتی راه پر میز

صرف گفتار اینست
بر بیان و عکس العمل
دانش در معاد ضروریست

فعالیت کلاسی

برخی از افرادی که پایبندی چندانی به رعایت احکام دین ندارند، می گویند: «ما به وجود خدا و مجازات هایی که گفته می شود در قیامت و جهنم هست، اعتقادی نداریم» شما به این گونه افراد چه پاسخی می دهید؟

آیات کریمه، تنها به خبر دادن اوست، ساقط کرده است توضیح دهید

با توجه به اهمیت بحث معاد قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده، بلکه بارها یادآور و برهان آن را ثابت کرده است. دلایل قرآن در این زمینه را می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد نگاه

- ① دسته اول دلایلی هستند که «امکان» معاد را ثابت می کنند و آن را امری ممکن و شدنی نشان می دهد و این
- ② دسته دیگر، دلایلی هستند که «ضرورت» معاد را به اثبات می رسانند و تحقق آن را لازم می دانند

الف) دلایلی که بر امکان معاد دلالت دارند:

یکی از دلایلی که سبب می شود عده ای معاد را انکار کنند، این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمت را با قدرت محدود خود نمی سنجند و هنگامی که تحقق آن را با قدرت بشری ناممکن می بینند، به انکار می پردازند. حال آنکه بعید بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیر ممکن بودن آن نیست. از این رو قرآن یکی از انگیزه های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا معرفی می کند و دلایل و شواهد زیادی می آید تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی است و خداوند بر انجام آن تواناست؛ مانند:

۱- آفرینش نخستین انسان: در برخی آیات قرآن، خداوند توجه منکران معاد را به پیدایش نخستین

استاره معاد حسبانی شه روحانی

کسی از آن که خداوند آفرینش او را فرموده می تواند به هم آید - آفرینش مجدد است

انسان جلب می کند و توانایی خود در آفرینش وی را تذکر می دهد. در این آیات بیان می شود که همان گونه که خداوند قادر است انسان را در آغاز خلق کند، می تواند بار دیگر نیز او را زنده کند.

استخوان های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که آنها را برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقی دانست. **آیه ۱۸: آفرینش کسی را که از ذرات لایحه کن معاد**

۲- بیان نمونه هایی از زنده شدن مردگان: قرآن برای اینکه قدرت خدا را به صورت محسوس تری در این زمینه نشان دهد، ماجراهایی را نقل می کند که در آنها به اراده خداوند مردگانی زنده شده اند. از آن جمله می توان به ماجرای **عزیر** اشاره کرد:

عزیر یکی از پیامبران بنی اسرائیل بود. او در سفری از کنار روستای ویرانی عبور می کرد. استخوان های متلاشی و پوسیده ساکنان آن روستا از لایه لای خرابه ها پیدا بود. یا دیدن این استخوان ها

این سؤال در ذهن عزیر شکل گرفت که به راستی خداوند چگونه اینها را پس از مرگ زنده می کند؟ خداوند، جان وی را در همان دم گرفت و بعد از گذشت صد سال دوباره او را زنده کرد. سپس خطاب به او گفت:

۱- **ایمان آفرینش مجدد + قدرت الهی در الحاق جسم و روح**
عزیر گفت: یک روز یا نصف روز.

خداوند فرمود: تو صد سال است که اینجا هستی. به الاغی که سوارش بودی و غذایی که همراه داشتی، نگاه کن و بین چگونه الاغ پوسیده و متلاشی شده؛ اما غذایت پس از صد سال سالم مانده و فاسد نشده است

و اینک بین که خداوند چگونه اعضای پوسیده و متلاشی شده الاغ را دوباره جمع آوری و زنده می کند. عزیر **به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت (می دانم که خدا بر هر کاری توانا است)**

آیه ۱۹: معاد جسمانی و روحی
خداوند در آیات سوم و چهارم قیامت، خطاب به کسانی که به انکار معاد می پردازند، می گوید:

«تو تنها استخوان های آنها را به حالت اول در می آوریم، بلکه سرانگشتان آنها را نیز همان گونه که بود، مجدداً خلق می کنیم.»

به نظر شما چرا خداوند در این آیات برای اثبات قدرت الهی به خلق سرانگشتان اشاره می کند؟

در آیه ۲۰ در بیان آنکه سرانگشتان در لایه خطوط است که این خطوط در جراتانی متفاوت است. این موضوع هم اکنون برای شناسایی افراد نگارنده رود.

در آیه ۲۱ که در صورت آن برای خلق مجددش نغمه آفرینش است و این نغمه که آفرینش هر نفسی خود او است اما خداوند می تواند آنها را جمع آوری

فصلی از زندگی
هد بود.

لش
بام
شیده

راه
خیز

وجود

ها یا دلیل
سیم کرد
می دهند

دانند

عظیم
نگار آ

ن را
آور

سوره ای آیه ۷۸ و ۷۹
سوره ای آیه ۲۵۹

۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت: در برخی آیات قرآن، زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است و از کسانی که با ناباوری به معاد نگاه می‌کنند می‌خواهد تا به مطالعه جریان همیشگی مرگ و زندگی در طبیعت بپردازند تا مسئله معاد را بهتر درک کنند. فرارسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است که نمونه‌ای از رستاخیز عظیم نیز هست.



استفاده داده است. خاک سرمایه‌ها در دره بود؟ آیا بر این **افحش** معاد لا

با بدکاران برساند و حق **۷** اما زندگی در این کارهای نیک

«خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزند. سپس آن ابر را به سوی سرزمینی مرده برانیم و زمین مرده را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم. زنده شدن قیامت نیز همین گونه است» (ب) دلایلی که بر ضرورت معاد دلالت دارند:

پیام **۱- اشاره معاد همین است که در قرآن ذکر شده است**

قرآن نه تنها معاد را امری ممکن می‌داند، بلکه وقوع آن را نیز امری ضروری و واقع نشدن آن را امری محال و ناروا معرفی می‌کند. دلایلی که قرآن در بحث ضرورت معاد بیان کرده است، عبارت‌اند از:

۱- معاد لازمه حکمت الهی: خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کار (ب) این از کارهای او بیهوده و عبث نباشد. اگر خداوند تمایلات و گرایش‌هایی را در درون انسان قرار داد

مقدم اول

امکانات پاسخگویی به آن تمایلات و نیازها را نیز در عالم خارج قرار داده است؛ به‌طور مثال، در مغز را که به حساس تشنگی و گرسنگی، آب و غذا را آفریده است تا بتوانیم به وسیله آن تشنگی و گرسنگی خود را برطرف کنیم.

حال اگر به وجود آدمی توجه کنیم، می‌بینیم که خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که گرایش به **جاودانگی** دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد عاقلانه

همچنین هر انسانی خواستار همه کمالات و زیبایی‌هاست و این خواستن هیچ حدی ندارد. **آمن**

اما دنیا و عمر محدود انسان‌ها پاسخ‌گوی این گونه خواسته‌ها نیست؛ بنابراین باید جای دیگری بد

که انسان به خواسته‌هایش برسد. اگر بعد از این دنیا، زندگی‌ای نباشد، در این صورت باید گفت خداوند گرایش به زندگی جاوید را در وجود انسان قرار داده و سپس او را در حالی که مشتاق حیات ابد است، نابود می‌کند! آیا این کار با حکمت خداوند سازگار است؟! **مقدم دوم**

علاوه بر این، اگر بناست با این همه استعدادها و سرمایه‌های مختلفی که خداوند در وجود ما

۱- سورة فاطر، آیه ۹

معاد لازمه حکمت الهی } ضرورت معاد } معاد لازمه عدل الهی

۱- سورة فاطر، آیه ۹

استفهام انشائی بر روی ضرورت معاد تاکید شده است

داده است، خاک شویم و معادی هم نباشد. این سؤال مطرح می شود که دلیل آفریدن این استعدادها و سرمایهها در درون ما چه بوده است؟ ما که از همان ابتدا خاک بودیم. دلیل دلیل این آمدن و رفتن چه بود؟ آیا بر این اساس آفرینش انسان و جهان بی هدف و عبث نخواهد بود؟ حدود ضروری خلقت و بازگشت

نظم

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ معاد
۱- معاد لازمه عدل الهی عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و نیکوکاران را مستحق پادکاران برابر قرار نمی دهد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

۲- اما زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد؛ زیرا:
الف) در این عالم همه به پاداش یا کیفر تمام اعمال خود نمی رسند. به عنوان نمونه، چه بسیار افرادی که کارهای نیک فراوانی دارند و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده اند و نیز چه بسیار کسانی که در دوران عمر خود از هیچ جنایت و خیانتی فروگذار نمی کنند، اما قبل از آنکه به پاداش و یا سزای اعمال خود برسند، چشم از جهان فرو می بندند.

مغز ۲

ب) این جهان ظرفیت جزا و پاداش کامل انسان ها را ندارد. به عنوان نمونه، چگونه می توان پاداش بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا را در این دنیا داد؟ و یا چگونه می توان در این جهان کسی را که به هزاران نفر ستم روا داشته و یا صدها نفر را قتل عام کرده است، کیفر داد؟ به عنوان مثال اعدام کسی چون صدام و حامیان وی به هیچ عنوان با جرم شهید کردن صدها هزار انسان بی گناه، و معلول و شیمیایی کردن هزاران جانباز برابری نمی کند.

اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برساند و حق مظلوم را بستاند، بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می شود.

نتیجه

استفهام انشائی برای تاکید بر سرای رستگاری = تاکید بیشتر
أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا

آیا ما آنها را که ایمان آورده

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و کارهای شایسته انجام داده اند

كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

با مفسدان در زمین یکسان قرار خواهیم داد؟

أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

آیا متقین را مانند ناپاکان و بدکاران قرار

خواهیم داد؟

* ضرورت معاد در بر تو عدل الهی (ص) تساوی نیکیها و بدکارها نزد خداوند

لازمه عدل خداوند

رذة مؤمنون، آیه ۱۱۵
و اوص، آیه ۲۸

نکته: (عدل الهی اختصاص به جهان آخرت ندارد و در زندگی دنیا نیز جاریست)

۵۷

با اندیشه در ترجمه آیات زیر، برخی دیگر از دلایل انکار معاد را بیان کنید.

■ آنان (دوزخیان) پیش از این (در عالم دنیا) مست و مغرور نمیشدند و بر گناهان بزرگ اصرار می کردند و می گفتند: «هنگامی که ما مردیم و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟»

سوره واقعه، آیات ۲۸-۳۵
■ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، همان ها که روز جزا را انکار می کنند. تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گناهکار است.

سوره مطففین، آیات ۱۲-۱۰

■ (انسان شک در وجود معاد ندارد) بلکه [علت انکارش این است که] او می خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند.

سوره قیامت، آیه ۱۰

۱) ...
۲) ...
۳) ...

پاسخ سوالات شما

کی رفته و کی برگشته؟!

برای برخی هر قدر هم از دلایل عقلی اثبات معاد، آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین در خصوص جهان آخرت گفته شود، می گویند: «چه کسی از آن جهان برگشته که خبر آورده باشد» به این گونه افراد چه باید گفت؟

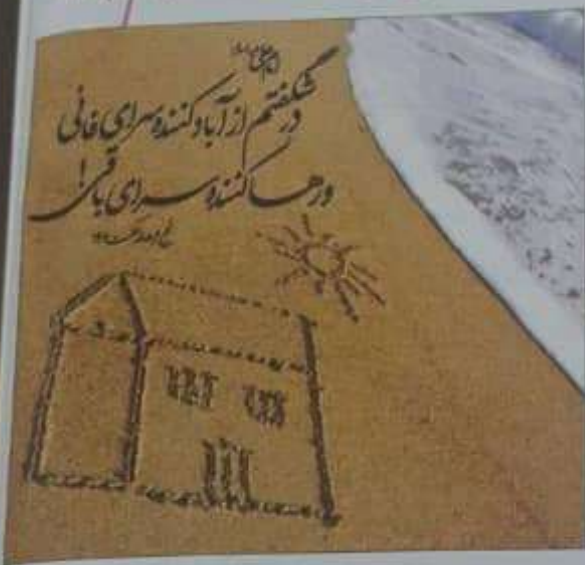
پاسخ: برخی رانندگان هنگام مسافرت، به توصیه پلیس درباره خطرات جاده و لزوم همراه داشتن وسایل ضروری توجه می کنند و وسایلی را که احتمال می دهند در جاده مورد نیازشان باشد، همراه خود بر می دارند (مانند زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار و...). بعضی

- ۱- تعدادی از کارهای نیک و تعدادی از گناهان را که در این دنیا قابل پاداش و مجازات نباشند، ذکر کنید.
- ۲- اگر در بحث وجود معاد، دلیلی جز خبر پیامبران نداشتید، آیا آن را می‌پذیرفتید؟ به چه دلیل؟
- ۳- رابطه میان «آفرینش استعدادها و سرمایه‌های مختلف در وجود انسان» و «ضرورت وجود معاد» توضیح دهید.

با توجه به استعدادها و سرمایه‌هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده...

...در این دنیا به نیکو و بدی می‌پردازد. از این برای معاد آفرینش و قرار دادن استعدادها... بیشتر بدانیم

خداوند مورد سوال و استیصال قرار نمی‌گیرد. نصیحتی از حضرت علی (ع)



آگاه باشید! هم‌اکنون در روزگار آرزوهایید که مرگ را در پی دارد؛ پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره‌مند خواهد شد، و مرگ او را زبانی نمی‌رساند و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی کند، زیان کار و مرگ او زیان بار است. همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای

خدا عمل می‌کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید.

آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند آتش جهنم که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند!

نهج البلاغه، خطبه ۲۸

معرفی کتاب

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲ و ۳)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
معاد	شهید مرتضی مطهری	صدرا	دانش آموز / معلم

سوال (حال بیهوشیم که معصومیت پیامبران به چه صورت است. آیا یک مانع بیرونی مانند فرشته، پیامبران را از گناه و خطا حفظ می کند یا آنان با اختیار خود به سمت گناه و خطا نمی روند؟)

در پاسخ می گوئیم: پیامبران با اینکه مانند ما انسان ها غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی شوند؛ زیرا کسی گناه می کند که هوی و هوس بر او غلبه کند، اما کسی که حقیقت گناه و معصیت را مشاهده می کند و می داند که با انجام آن از لطف و رحمت خداوند دور می شود، محبت به خدا را با هیچ چیز عوض نمی کند.

البته ما انسان ها نیز در مورد بعضی از گناهان معصوم هستیم و حتی تصور آنها نیز برای ما ناراحت کننده و آزاردهنده است، اما پیامبران درباره همه گناهان عصمت دارند.

پاسخ سوالات شما

برخی می پرسند اگر پیامبر و امامان معصوم اند، پس چرا این قدر به درگاه خداوند استغفار می کردند؟

پاسخ اینکه: استغفار پیامبران و امامان به درگاه خداوند از چند جهت بوده است:

۱- استغفار و توبه مراتب و درجاتی متناسب با توبه کنندگان دارد. توبه گنهکاران برای رفع گناه است و توبه و استغفار اولیای الهی برای دفع گناه؛ چنان که گاهی لباسی آلوده می شود و برای پاک و تمیز کردن، آن را می شویند (رفع) و گاهی لباس چنان شفاف و تمیز است که با دقت مراقبند تا آلوده نشود (دفع).

اولیای خدا با اشک و آه از خداوند می خواهند که آنان را در عرصه مبارزه با شیطان پیروز گرداند تا قلب آنان آلوده به گناه نشود. آنان به خوبی می دانند که اگر یک لحظه لطف خداوند از آنان گرفته شود، به دام نفس اماره و شیطان می افتند.

۲- اولیای الهی وقتی به خود و اعمال خویش می نگرند با تمام عظمت و بزرگی که آن اعمال دارند، آنها را در برابر عظمت بی نهایت الهی بسیار کوچک می بینند؛ مانند کسی که مهم ترین دارایی اش مقداری آب گل آلود باشد و آن را برای سلطان و پادشاهی هدیه ببرد و چون عظمت بارگاه پادشاه را می بیند، از آنچه آورده، سخت شرمسار و سرافکننده می گردد. پیامبران و امامان به دلیل تواضع و فروتنی ای که در برابر خداوند دارند، اعمال خود را در برابر آن همه لطف و محبت خداوند به بندگانش بسیار ناچیز می دانند. به همین دلیل، از ناچیز بودن اعمال خود شرممنده اند و به درگاه خداوند عذر خواهند.

۳- از سویی مسئولیت پیامبر و ائمه علیهم السلام ایجاب می کرد تا آنان با افراد مختلفی سر و کار داشته

لازم (بشرط تائید)
برای تکمیل مسی برای اجرای احکام اسلام
با زکات، قنونه، قواصم الی

مفروض
حرام بودن احوال و زبان طاعت
احوال و خرقان

باشند؛ از صالحان و نیکان گرفته تا آسکان های آلوده به گناه و تبهکار ایجاد در دنیا زندگی اصحابی برای عمل
معاصرت زیاد پیامبران با مردم باعث می شد آنان احساس کنند که غباری بر قلبشان نشسته
است که با استغفار به دنبال زدودن آن باشند. چنان که پیامبر فرمود:

اِنَّهُ لَيُغَانُ عَلٰی قَلْبِيْ وَ اِنْسِيْ لَاسْتَغْفِرُ اللّٰهَ فِيْ كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِيْنَ مَرَّةً: «گاهی بر دلم غبار
می نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می خواهم».

البته این غباری که پیامبر می فرمایند بر قلب ایشان نشسته است با غباری که به دلیل گناهان بر
قلب ما می نشیند تفاوت دارد. به طور مثال اگر سالن بزرگی را با نور کمی روشن کنیم، جز انبساطی
بزرگ را نخواهیم دید، ولی اگر همین سالن را با نور زیاد روشن کنیم، حتی یک دانه آرز هم دیده
می شود. پس می توان گفت: چون نور ایمان افراد عادی کم است؛ تنها، گناهان بزرگ خود را
می بینند، ولی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام که از نور ایمان بسیار بالایی برخوردارند، اگر از هر
لحظه عمرشان در حد اعلی بهره مند نشوند استغفار می کنند.

۱- قواصم و معاصرت اصحابی و خصایص اسلام و انواع احکام اسلامی مانند زکات، عبادت، ...
اندیشه و تحقیق

- ۱- نمونه هایی از احکام اجتماعی اسلام که اجرای آنها نیازمند تشکیل حکومت است را بیان کنید.
- ۲- به نظر شما کدام یک از احکام و دستورات دین اسلام نیاز بیشتری به تشکیل حکومت الهی دارد؟
 - الف) نماز و روزه واجب
 - ب) حج
 - ج) امر به معروف و نهی از منکر
 - د) حجاب و پوشش
 - ه) توانمندی نظامی و ایجاد رعب در دل دشمنان
 - و) نفی سلطه بیگانگان
 - ز) کمک به مسلمانان گرفتار در نقاط مختلف جهان

۳- با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام بیان کنید که چرا ولایت، از نماز و روزه و سایر عبادات مهم تر است؟
چون در ساین ولایت حکومت است و نصرت برای اجرای احکام دین از جهت

۱- من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج ۴، ص ۸۵ نماز و روزه و سایر عبادات فراهم می شود در دم اعمال خود را